

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

یاد شهداء

امشب دل افسرده را در سینه گریان یافتم
آن دل، که آزارش نبود، کاری به هر کارش نبود
پرسیدمش از درد او، از آه درد آورد او
گفتا، که این درد و مَحَن، درد عظیم است و کهن
می سوخت چون شمع نهان، می گفت با اشک روان
آنجا که باغ و راغ بود، چشم و چراغ باغ بود
در روستای روشنان، رفتم سراغ دوستان
رفتم به هرسو در طلب، با عالم عجز و ادب
هرسو به شور و سوز و آه، پیمودم از اندیشه راه
در جست و جوی سالکان، در عاشقان و عارفان
در لانه آزادگان، از فتنه همسایگان
بزم ستم اندود را، رزم زیان و سود را
در نغمه های خفته اش سوز فراوان یافتم
جز عشق سرشارش نبود، اکنون پریشان یافتم
در رنگ و روی زرد او، رنج نمایان یافتم
درد شهیدان وطن، کز جور دوران یافتم
کان خطه جنت نشان، یکباره ویران یافتم
در سینه گل داغ بود، خاموش و ویران یافتم
نی دوستان، نی بوستان، نی آن گلستان یافتم
نی آن شبستان طرب، نی آن دبستان یافتم
هرجا، که بگشودم نگاه، گور شهیدان یافتم
چون آب در هرسو روان، نی این و نی آن یافتم
نقش قدوم بردگان، زنجیر و زندان یافتم
اجرام پشم آلود را، هرسو به جولان یافتم
آنان، که در کشور "اسیر" سنگین دل اند و سختگیر
هم خودسر اند و بدضمیر، هم سست پیمان یافتم

(بن - المان، می ۱۹۹۷ع)